

سیاست داخلی دونالد ترامپ در ۱۰۰ روز نخست چگونه بود؟

آشفته بازار ترامپسیسم

سیدالارحیمی

خبرنگار

«انتخابات را دزدیدند» این جمله‌ای است که ترامپ پس از انتخابات سال ۲۰۲۰ و پیروزی جو بایدن، نامزد حزب دموکرات، به کاربرد. در آن سال (۲۰۲۰)، دونالد ترامپ با طرح این موضوع که در انتخابات تقلب شده و جو بایدن پیروزی را از او دزدیده است، حاشیه‌ها و مشکلات فراوانی را برای ایالات متحده به وجود آورد. از جمله حمله طرفداران وی به ساختمان کنگره و ایجاد آشوب در واشنگتن، پایتخت آمریکا. در آن سال، ترامپ و مایک پنس، معاون اول رئیس جمهور، از طرفداران خود خواستند تا به سمت پایتخت حرکت کنند تا نگذارند جو بایدن رئیس جمهور شود.

حمله به ساختمان کنگره در ششم ژانویه سال ۲۰۲۱ اتفاق افتاد و روز سیزده ژانویه، دونالد ترامپ به دلیل تحریک مردم آمریکا به شورش مسلحانه علیه این کشور، در مجلس نمایندگان با اکثریت آرا استیضاح شد.

پس از اتفاقات سال ۲۰۲۱ و ناکامی در انتخابات، دونالد ترامپ خود را برای دوربعدی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا آماده می‌کرد. او در ابتدا توانست در انتخابات درون حزبی حزب جمهوری خواه پیروز شود و سپس به‌عنوان نامزد رسمی این حزب برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ معرفی شد.

ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ توانست کامالا هریس، معاون جو بایدن، را در انتخابات شکست دهد و به‌عنوان ۴۷مین رئیس جمهور آمریکا انتخاب شود. آقای ترامپ در کارزارهای انتخاباتی خود وعده‌های زیادی در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده داد و پس از پیروزی، با پیگیری این وعده‌ها توانست سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده را تحت تأثیر قرار دهد. ترامپ در زمینه سیاست خارجی و داخلی اقداماتی گسترده انجام داد و تغییرات زیادی را ایجاد کرد، به‌طوری که دوره ریاست‌جمهوری او و جو بایدن در دو بعد داخلی و خارجی تفاوت آشکاری با هم دارند.

ترامپ در سیاست خارجی خود در ابتدا با همسایگان خود وارد یک تعارض شدید شد و آن هم الحاق کانادا به آمریکا بود. سپس به سراخ بزرگ‌ترین شریک تجاری خود در قاره آمریکا، یعنی مکزیک رفت و با این کشور در مورد مهاجران وارد دعوای سیاسی شد. تعارضات ترامپ فقط مربوط به قاره آمریکا نبود؛ او با تمام جهان، به‌ویژه چین، وارد یک جنگ تجاری بزرگ با محوریت تعرفه واردات شد. سپس اوضاع جنگ در شرق اروپا را تا حد زیادی پیچیده کرد، به‌طوری که دورنمای صلح در قاره سبز تا حد زیادی گنگ است. او برای خاورمیانه نیز برنامه‌های زیادی دارد، از جمله اشغال غزه و تبدیل آن به ریویزای خاورمیانه و شروع مذاکرات با ایران. البته این فقط بخشی از پرونده‌های ترامپ در صحنه سیاست خارجی است.

با وجود تمام برنامه‌های ترامپ در سیاست خارجی، ما در این گزارش قصد داریم به بهانه صدمین روز ریاست جمهوری ترامپ، برنامه‌های سیاست داخلی رئیس جمهور آمریکا را بررسی کنیم و در آخرین سؤال را پاسخ دهیم که آیا سیاست خارجی ادامه‌دهنده سیاست داخلی است یا نه؟

■ ■ ■

➤ **تسویه حساب‌هایی به سبک استالین**

ترامپ پس از بازگشت به اتاق بیضی شکل کاخ سفید، مجموعه‌ای از تسویه‌حساب‌ها را علیه مقامات سابق سیاسی، نظامی و کارمندان فدرال ایالات متحده در سه مرحله انجام داد. این اقدامات به دلیل جلب رضایت رای دهندگان انجام گرفته است.

مرحله اول: ترامپ پس از مراسم تحلیف خود اعلام کرد که می‌خواهد ۲ میلیون نفر از کارمندان فدرال را اخراج کند، اما می‌خواهد این کار به‌صورت داوطلبانه انجام شود. او پیشنهاد داد که کارمندان می‌توانند حقوق هشت ماه آینده خود را نیز دریافت کرده و استعفا دهند. این کار با هدف کوچک کردن دولت و کاهش هزینه‌های فدرال انجام می‌شود. اما اکثر کارمندان فدرال این طرح را نپذیرفتند و استعفا ندادند. در این طرح فقط ۴۰ هزار نفر حاضر شدند که به‌صورت داوطلبانه استعفا دهند.

بعد از نپذیرفتن داوطلبانه استعفا، دولت ترامپ شروع به اخراج کارمندان فدرال کرد. کارمندانی که اکثر آن‌ها بعد از اخراج از دولت شکایت کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. از افراد سرشناسی که در این برنامه اخراج

شدند می‌توان به آلن واین تراوب، رئیس دموکرات کمیسیون انتخابات فدرال، خوزه آندرس از شورای ریاست‌جمهوری ورزش، مارک میلی از شورای مشاوره زیرساخت ملی، بریایان هوک از مرکز ویلسون و ژنرال مارک الکساندر میلی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح نام برد.

مرحله دوم: قطع دسترسی امنیتی بسیاری از مقامات ارشد سابق که جنجال‌های زیادی در داخل آمریکا به وجود آورد. به گفته کارشناسان، این کار سیاسی‌ترین اقدام امنیتی از زمان پرونده اوپنهاইمر در دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده است.

دونالد ترامپ پس از مراسم تحلیف خود در روز ۲۰ ژانویه، دسترسی را صادر کرد که در آن دسترسی امنیتی ۴۹ نفر از مقامات ارشد سابق را لغو می‌کند. این قطع دسترسی به دلیل نامه‌ای بود که آن‌ها امضا کرده بودند و در آن ادعا داشتند روسیه قصد داشته با افشای اطلاعات نادرست در مورد جو بایدن در سال ۲۰۲۰، در نتیجه انتخابات تأثیر بگذارد.

ترامپ ادعا کرده که اعضای این نامه توسط مقامات ارشد برای گمراه کردن مردم در انتخابات صورت گرفته و در واقع کمکی به کمپین انتخاباتی بایدن بوده است. این افراد همواره این ادعا را رد کرده‌اند و می‌گویند تنها هدف آن‌ها جلوگیری از تأثیرگذاری کشور روسیه در انتخابات آمریکا بوده است. ترامپ همچنین دسترسی امنیتی جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق خود را لغو کرد و او را به افشای اطلاعات حساس در کتاب خاطراتش متهم کرد. بولتسون این اتهام را رد کرده و گفته که هیچ اطلاعاتی را که امنیت ملی را به خطر بیندازد فاش نکرده است.

این قطع دسترسی شامل این افراد می‌شود؛ آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه سابق، جیک سالیوان مشاور سابق امنیت ملی ایالات متحده، لیتیا جیمز دادستان کل نیویورک، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق، کامالا هریس معاون رئیس جمهور سابق و رئیس جمهور سابق جو بایدن و هر عضو دیگری از خانواده او. این لیست شامل افراد دیگری نیز می‌شود که در این گزارش فقط نام افراد مطرح آورده شده است.

مرحله سوم: اقدامات دونالد ترامپ فقط به قطع دسترسی امنیتی و اخراج محدود نمی‌شود. رئیس جمهور آمریکا همچنین تیم‌های حفاظتی برخی از مقامات سابق را نیز لغو کرده و در مورد لغو تیم‌های حفاظتی مقامات سابق به رسانه‌ها گفت: «ما نمی‌توانیم از تمام مقامات سابق حفاظت کنیم، فقط همین.»

افرادی که تیم حفاظتی آن‌ها لغو شده است شامل جان بولتون، مشاور امنیتی سابق ترامپ، ژنرال مارک الکساندر میلی رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا، مایک پمپئو وزیر امور خارجه سابق و بریایان هوک مسئول میر ایران در وزارت امور خارجه آمریکا است.

➤ **محافظه کاران وزارت آموزش را نمی‌پسندند**

پس از بازگشت به قدرت، ترامپ در دستوری اعلام کرد که می‌خواهد وزارت آموزش را منحل کند. این وزارتخانه نیز بعد از بازگشت ترامپ اعلام کرد که می‌خواهد نیمی از کارمندان خود را اخراج کند. وزارت آموزش ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ توسط رئیس جمهور وقت، جیمی کارتر تأسیس شد و هدف آن تأمین بودجه مدارس دولتی، مدیریت وام‌های دانشجویی و اجرای برنامه‌هایی برای حمایت از دانش آموزان کم‌درآمد است.

وزارت آموزش ۴۴۰۰ کارمند دارد و کوچک‌ترین وزارتخانه در ایالات متحده است و تیم ترامپ قصد دارد نیمی از این کارمندان را نیز اخراج کند. همچنین بودجه این وزارتخانه در سال ۲۰۲۴، ۲۳۸ میلیارد دلار است.

این وزارتخانه به دانش آموزان دارای معلولیت‌های جسمانی نیز کمک می‌کند و برنامه‌هایی علیه تبعیض نژادی یا جنسیتی در مدارس را اجرا می‌کند. اما چرا ترامپ و تیم او می‌خواهند این وزارتخانه را منحل کنند و آیا می‌توانند این کار را انجام دهند؟

بحسب التحال وزارت آموزش تقریباً از زمان تأسیس آن از سوی جمهوری‌خواهان مطرح بوده است. رونالد ریگان در کارزار انتخاباتی خود در سال ۱۹۸۰ خواهان انحلال این نهاد شده بود. جمهوری‌خواهان معمولاً مخالف تمرکز سیاست‌گذاری آموزشی در سطح فدرال هستند و معتقدند آموزش باید در سطح ایالت‌ها و مناطق محلی مدیریت شود. محافظه‌کاران حزب جمهوری‌خواه همچنین این نهاد را متهم می‌کنند که جوانان را با مفاهیم نژادی، جنسی و سیاسی شست‌وشوی مغزی می‌دهند. دونالد ترامپ برای انحلال این نهاد فدرال نیاز به تأیید کنگره دارد و باید ۶۰ نماینده سنای آن را تأیید کنند. با توجه به تعداد سناتورهای به مجلس سنا که ۵۳ جمهوری‌خواه به ۴۷ دموکرات است، جمهوری‌خواهان به رأی ۷ نماینده دموکرات نیاز دارند تا انحلال این نهاد را رسمی کنند.

➤ **برای تحکیم خانواده آمریکایی**

رئیس جمهور جدید آمریکا و تیم محافظه‌کار جمهوری‌خواه همیشه مواضع سفت و سختی در قبال گرایش‌های جنسیتی غیر متعارف و خارج از عرف جامعه آمریکا داشتند و هنوز هم دارند. در دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، او می‌خواهد سیاست‌های حمایتی دولت از جامعه همجنس‌گرایان را حذف کند و برخی سیاست‌های سختگیرانه دیگر نیز روی این بخش از جامعه آمریکا اعمال کند.

ترامپ در ابتدای کار دستوری را برای تمام ادارات دولتی آمریکا ارسال کرد و از آن‌ها خواست فقط به کسانی که خود را در گروه جنسیتی مرد وزن قرار می‌دهند، خدمات ارائه دهند و به کسانی که خود را فارغ از این دو گروه می‌دانند، هیچ‌گونه خدماتی را ارائه ندهند. سپس در ادامه آقای رئیس جمهور ۲۷۰ کمک‌هزینه که معادل حداقل ۱۲۵ میلیون دلار از بودجه خدمات سلامت شهروندان آمریکا بود و به افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، تراجنسیتی و کویر اختصاص داشت، لغو کرد و اعلام کرد که دیگر وزارت بهداشت آمریکا هیچ خدمات رایگانی را به این افراد اختصاص نمی‌دهد.

ترامپ همچنین اعلام کرد که دیگر دولت هزینه انجام جراحی تغییر جنسیت را نخواهد پذیرفت و به‌شدت با این موضوع مبارزه خواهد کرد و دولت قوانینی را که به والدین اجازه می‌دهد جنسیت کودکان خود را با عمل جراحی تغییر دهند، سختگیرانه خواهد کرد به‌طوری که دیگر کسی نتواند آن را انجام دهد. پیش از این و در زمان دولت جو بایدن، هزینه انجام عمل تغییر جنسیت با دولت بود و والدین می‌توانستند جنسیت کودکان خود را با عمل جراحی تغییر دهند.

دونالد ترامپ و تیم محافظه‌کار او قوانین بسیار سختگیرانه‌ای را در مورد سقط جنین وضع خواهند کرد. رئیس جمهور آمریکا از مخالفان سرسخت سقط جنین است و آن‌ها می‌خواهند با تغییر قوانین وزارت بهداشت با سقط جنین در آمریکا مبارزه کنند.

ارثش آمریکانیز پس از پیروزی ترامپ در انتخابات تغییرات فراوانی را در صرف نیروهای خود خواهد دید. رئیس جمهور به وزیر دفاع، پتر هگست دستور داده که تمام افراد همجنس‌گرا که در ارتش خدمت می‌کنند را از کار اخراج کند و قوانینی نیز تدوین شود که دیگر این افراد در ارتش استخدام نشوند. به گفته آقای ترامپ، تمامی این تغییرات به دلیل مستحکم کردن جایگاه خانواده آمریکایی انجام شده و هدف نهایی آن حفظ ارزش‌های انسانی است.

➤ **جنگ با دانشگاه**

پس از شروع جنگ غزه و نسل‌کشی شهروندان غیرنظامی فلسطینی به دست رژیم‌صهیونیستی، سرم در سراسر جهان نسبت به جنایاتی که در غزه رخ می‌دهد آگاه شدند و شروع به انجام تظاهرات علیه این کشتار بی‌سابقه کردند. نهاد دانشگاه و دانشجویان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. دانشگاه‌های آمریکایی به دلیل داشتن مزیت‌های علمی و رفاهی که دارند، سالانه پذیرای تعداد بسیار بالایی از دانشجویان از سراسر جهان هستند و به همین دلیل در این دانشگاه تعداد بالایی از دانشجویان مسلمان مشغول تحصیل‌اند.

پس از عملیات طوفان الاقصی و کشتار غیرنظامیان فلسطینی به دست نظامیان صهیونیست، دانشجویان مسلمان و مسیحی در دانشگاه‌های آمریکا علیه کشتارها و حمایت تسلیحاتی دولت آمریکا تظاهرات‌هایی را انجام دادند و نوک پیکان این اعتراضات دولت آمریکا و نتانیاهو بود. این اعتراضات با سرکوب پلیس آمریکا و حمله به دانشگاه و دانشجویان ادامه یافت.

دونالد ترامپ در کارزار انتخاباتی خود وعده داد که از دولت اسرانیلی حمایت کرده و با دانشجویان متخلف بین‌المللی برخورد به عمل آورد و آن‌ها را اخراج کند. پس از بازگشت ترامپ به کاخ‌سفید، پروژه اخراج دانشجویان بین‌المللی طرفدار مردم فلسطین و حماس کلید خورد و پلیس فدرال آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و یهودی‌ستیزی شروع به اخراج دانشجویان بین‌المللی کرد.

اقدام ترامپ در حمایت از اسرائیل فقط به اخراج دانشجویان ختم نشد و تیم اوسعی در محدود کردن اختیار دانشگاه‌ها دارد. آن‌ها از دانشگاه‌ها خواستند که دانشجویان و استادان معترض را اخراج کرده و بعضی از دانشکده‌ها را نیز منحل کنند. اقدامی که مورد قبول مراکز علمی واقع نشد و دولت ترامپ برای مجازات این مراکز آکادمیک شروع به قطع بودجه فدرال این مراکز کرد. دانشگاه هاروارد جزء اولین دانشگاه‌هایی بود که حاضر نشد با دولت همکاری کند و دانشجویان بین‌المللی را تا قبل پلیس فدرال دهد. دولت نیز به دلیل عدم همکاری این دانشگاه با دولت، ۲٫۳ میلیارد دلار از بودجه فدرال این نهاد علمی را مسدود کرد و این عمل باعث شروع جنگ دانشگاه‌ها

با دولت ترامپ شد.

بیش از ۱۵۰ مرکز علمی و آموزشی آمریکایی که شامل دانشگاه‌ها و کالج‌ها می‌شوند، بیانیه‌ای را علیه دولت ترامپ تنظیم کردند و رؤسای این مراکز علمی این نامه را امضا کردند و خواهان کاهش دخالت دولت فدرال در امور دانشگاه‌ها هستند.

در این بیانیه آمده است: «ما آماده پذیرش اصلاحات سازنده هستیم و با نظارت قانونی دولت مخالفی نداریم. اما باید با دخالت بیش از حد دولت در زندگی کسانی که در دانشگاه‌ها یاد می‌گیرند، زندگی و کار می‌کنند، مخالفت کنیم.»

امضاکنندگان بیانیه اشاره کردند که اقدامات دولت در حال برهم زدن تحقیقات دانشگاهی است و همکاری دیرینه دولت فدرال با دانشگاه‌ها را تضعیف کرده و به فضای سرکوب در محیط دانشگاهی دامن می‌زند.

آنان در ادامه بیانیه نوشتند: «دانشگاه‌ها ما متعهد به ایجاد مرکزی برای پژوهش آزادند که در آن اساتدان، دانش‌جویان و کارمندان بتوانند آزادانه ایده‌ها و نظرات خود را در طیفی گسترده بدون ترس از مجازات، سانسور یا اخراج، مبادله کنند.»

به هیچ عنوان معلوم نیست که ترامپ و مشاورانش تا چه زمانی می‌خواهند این جنگ را با دانشگاه ادامه دهند، اما آشکار است که ادامه این کار تمام جامعه علمی آمریکا را وارد بحران خواهد کرد و اولین متضرر این واقعه خود دولت آمریکاست.

➤ **اسلحه‌ای جدید به نام تعرفه واردات**

ترامپ در تمام کارزارهای انتخاباتی خود یک کلیدوازه را به‌صورت مکرر در تمام سخنرانی‌ها می‌گفت و آن «تعرفه واردات» بود. ترامپ و تیم اقتصادی او تصور می‌کنند که تمام جهان در حال استفاده از ایالات متحده هستند و این دولت آمریکاست که جهان را اداره می‌کند و سایر کشورها در هیچ چیز نقش ندارند.

به همین دلیل ترامپ بر ۹۰ کشور تعرفه واردات بر کالا را اعمال کرده و نرخ واردات از این کشورها از ۱۰ درصد شروع شده و تا ۸۴ درصد ادامه خواهد داشت. این تعرفه‌ها مشکلات جدی را برای مردم و دولت آمریکا به وجود خواهد آورد. به‌باور کارشناسان، این تعرفه‌ها اگر بیش از سه ماه طول بکشد، رشد اقتصادی در آمریکا در سال ۲۰۲۵ صفر خواهد شد. دولت جمهوری‌خواه تصور می‌کند که اگر این تعرفه‌ها را ایجاد کند، تولید در داخل افزایش خواهد یافت، اما آن‌ها نمی‌دانند که افزایش تولید نیاز به سرمایه‌گذاری هنگفت دارد و این روند بسیار طولانی خواهد بود و همچنین این تعرفه‌ها باعث ایجاد تورم می‌شود، تورمی که اولین جامعه هدف آن مردم است.

مردم آمریکا با علم به این مشکلات پس از اعمال تعرفه‌ها و سایر مسائل اجتماعی دیگر در آمریکا، روز شش آوریل به خیابان‌ها آمدند و علیه سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دونالد ترامپ دست به اعتراض زدند. این اعتراضات در ۵۰ ایالت برگزار شد و شهروندان آمریکایی در خارج از کشور نیز، در شهرهای لندن و پاریس نیز علیه سیاست‌های ترامپ تظاهرات انجام دادند.

بعد از برگزاری تجمعات اعتراضی مردم علیه سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ترامپ و اعمال فشار از سمت رسانه‌ها و کارشناسان اقتصادی، رئیس جمهور آمریکا و تیم اقتصادی او تعرفه‌های واردات بر کالا‌ها را به مدت ۹۰ روز تعلیق کردند و تمام تعرفه‌ها را تا پایان ۹۰ روز به ۱۰ درصد کاهش دادند.

دونالد ترامپ اعلام کرد که تعرفه تمام کشورها به جز چین تعلیق خواهد شد تا اینکه کشورها برای مذاکرات با آمریکا بر سر میز بنشینند و با این کشور به توافق برسند. چین به دلیل اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه علیه آمریکا، این تعلیق شامل حالش نشد.

➤ **آیا سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است؟**

این گزاره همیشه در صحنه سیاست بین‌الملل نمی‌تواند صحیح باشد، اما در مورد آمریکا تای ترامپ این گزاره تا حد بسیار زیادی صحیح است، زیرا ترامپ سیاست خارجی خود را با پرونده‌های جنجالی و بحث‌برانگیز زیادی شروع کرده و این پرونده‌ها در بیشتر موارد باعث تعارض میان آمریکای ترامپ و سایر کشورها شده است.

سیاست داخلی ترامپ نیز دقیقاً از سیاست خارجی او پیروی می‌کند، با این تفاوت که این بار تعارض در داخل آمریکاست و سیاست‌های ترامپ باعث رویارویی دولت او و شهروندان آمریکایی شده است.

فرهنگ‌نحنگان

جهان‌شناس

تقویم

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۵

شماره ۴۳۹۹

۱۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

۱۵

FARHIKHTEGANONLINE

۱۵

۱۵

۱۵

۱۵

۱۵

۱۵

۱۵

زمانی منطقی به اطلاع‌رسانی دقیق و بی‌ابهام پیرامون حادثه اهتمام داشته باشند و فضای رسانه‌ای را در خلأ روایت رها نکرده و به‌این‌ترتیب عنان اطلاع‌رسانی را به‌ویژه در شرایط حساس و بحرانی به رسانه‌هایی نسپارد که کمترین دلم‌شغولی به ایران و ایرانی ندارند و همواره و در حادثه‌ای مترصد صید ماهی خویش از آب گل‌آلود بحران‌ها هستند. متأسفانه به دل‌ان فراموشی سپردن توضیح منطقی درخصوص چندوچون رخداد وقایع مشابه، به تصور اینکه گذر زمان حادثه را از یاد مردم برده است تجربه شکست‌خورده‌ای است که تداوم آن می‌تواند مرجعیت رسانه‌ای داخلی را بیش از پیش مخدوش کند. تصمیم‌گیران باید به این باور برسند که در دنیای رسانه و عصر شبکه‌های اجتماعی نمی‌توان با سکوت از تبعات یک واقعه ناخوشایند کاست. این رویه که با سکوت و عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع، حیاتی‌ترین لحظات روایت و تحلیل اوضاع دوستی تقدیم دشمن شود و بعضاً ماه‌ها از اظهارنظر دقیق و بی‌ابهام پیرامون یک امر نیازمند تبیین خبری نباشد، خطای استراتژیکی است که نتیجه‌ای جز از دست‌دادن سرمایه اجتماعی و سلب اعتماد ملت ندارد. از این رو بایستی هم‌زمان و هم‌سطح با مدیریت فضا در عدم ارائه اخبار و اطلاعات ناصحیح، به این وجه ماجرا نیز عنایت ویژه مبذول شود تا خلأ روایت صحیح مردم را به کسب خیر از منابع غیر موثق و مستلهدار و مغرض گسیل ندارد.

این امر و نیز فقدان پروتکل‌های مشخص برای خبررسانی در موارد این‌چنین است که سبب می‌شود اخبار غیردقیق و اغلب خلاف واقع تولیدشده توسط فیک‌نیوزها و رسانه‌های معاند در فضای رسانه‌ای مجال عرض اندام یافته و افکار عمومی شهروندان را مشوش و حتی جهت‌دهی کند!

حالات آنکه در دنیای امروز مدیریت فتنی رسانه‌های معاند روبروه و درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که به‌جرتست می‌توان آن را یکی از اضلاع مدیریت بحران به‌حساب آورد و حاکمیتی را در مدیریت بحران موفق دانست که در این شرایط کنترل بیشتر و بهتری بر افکار عمومی خود داشته باشد. ازاین‌رو این مهم و نیز تجربه ناموفق رهاپودگی اطلاع‌رسانی در موقعیت‌های مشابه خبررسانی نانتسمچم، ایجاب می‌کند فکری به حال نظام اطلاع‌رسانی کشور شود و با تعریف متولی واحد و نیز پیروزی در ارائه خبر رسانه‌ای مشخص برای ارائه اطلاعات و اخبار در شرایط بحرانی، عنان مدیریت افکار عمومی در چنین مواقعی از کف رسانه‌های معاند روبروه و به دستت حاکمیت سپرده شود. بدیهی است تمکین مجموعه رسانه‌های کشور به اطلاعات منتشرشده از این منبع واحد و نیز پرهیز از ارائه خبر به‌صورت خودسرانه و به نقل از هر منبع موثق یا منبع آگاهی غیر از متولی مذکور نیز لازمه تحقق این امر است.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که دستگاه متولی هم باید به‌موقع و در

دنیای سیاست در عصر رسانه شده است. البته تردیدی نیست که بخشی از این نابسامانی خبری، عارضه فراگیر شدن رسانه در زمانه حاضر است که اقتضانات خود را بر پدیده‌ها تحمیل می‌کند و ناظران عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را به واکنش وامی‌دارد تا بی‌آنکه اطلاعات قابل توجهی از یک رویداد در اختیار داشته باشند، در سریع‌ترین زمان ممکن درخصوص آن به اظهارنظر بپردازند.

مسلم است که لازمه ارائه هر تحلیلی از یک رویداد، حتی نه ضرورتاً جامع و کامل، دانستن حقایق درخصوص بستر شکل‌گیری و چندوچون تحقق آن رویداد است و این همه نیازمند آن است که ناظر یا تحلیلگر در بازه‌ای معقول از زمان، داده‌های مکفی درباره آن موضوع گردآورده و با طمأنینه و دقت در آن اندیشه کرده و سپس درخصوص آن اظهارنظر کند. لیکن گسترش رسانه در دنیای امروز و رقابت شبکه‌ها و بنگاه‌های خبری در پوشش پدیده‌ها و ارائه خبر و تصویری از آن، با همه مقله‌های مذکور را به‌پای عنصر «زمان» ذبح کرده و «سرعت» را بر هر مقله دیگری در این فرایند برتری داده است. گستردگی شبکه‌های مجازی و نیز در دسترس بودن ابزار اطلاع‌رسانی و شکل گرفتن پدیده‌ای به‌نام «شهروند- خبرنگار» هم بر ابعاد این ماجرا افزوده است. اما بخش عمده این آشفتگی به‌ویژه در کشور ما، بی‌تردید ناشی از فقدان نظام مدیریت اطلاع‌رسانی در شرایط بحران و نبود متولی واحد برای

ثنا مجد

خبرنگار

انفجار مهیب روز شنبه بندر شهیدر جایی بندرعباس، کشور را در بهت و حیرت فروبرد؛ انفجاری عظیم در مهم‌ترین بندر تجاری کشور. آن هم درست هم‌زمان با برگزاری دور سوم گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا بر سر مسئله هسته‌ای به‌سرعت به تیر یک رسانه‌های مهم دنیا تبدیل شد. متأسفانه طبق روال رویداد وقایع این‌چنینی در کشور از همان دقایق نخستین واقعه، سیل اخبار و آمار و اظهارنظرهای متعدد فضای رسانه‌ای را فراگرفت. اخبار و آمار عمدتاً غیر موثق و ضدونقیضی درخصوص منشأ انفجار، محل دقیق حادثه، آثار مصدومان و قربانیان، عملی یا سهوی بودن واقعه و اینکه علت ماجرا یک خرابکاری بوده یا حادثه‌ای ناشی از سوءمدیریت و اهمال و واردی ازاین‌دست در فضای مجازی جولان می‌داد و به‌جای مدیریت فضا، با دامن زدن به شایعات فقط بر التهاب و تنش ماجرا می‌افزود! این البته نخستین‌باری نیست که پراکندگی و عدم انسجام و شرایط مشوش خبری یک رویداد ناگهانی از این جنس را متأثر می‌کند و شایعات و حواشی وزنی بعضاً سنگین‌تر از متن پیدا می‌کنند و «واکنش آتی» و تحلیل شستاب‌زده ناظر به موضوعی که مدت‌زمان اندکی از رویداد آن می‌گذرد، امری نیست که منحصر به اتفاق مذکور باشد و به‌نوعی تبدیل شیو رایج